**عدالت در مسلخ سیاست**

 به مناسبت سالروز بمباران شیمیایی حلبچه

بمباران شیمیایی حلبچه در سال ۱۳۶۶، یکی از فجیع‌ترین جنایات جنگی تاریخ معاصر است که تحت فرماندهی صدام حسین، دیکتاتور سابق عراق علیه مردمان کرد کشور خودش صورت گرفت. این حمله که جان هزاران غیرنظامی کرد را گرفت، یکی از نمونه‌های آشکار نقض حقوق بشر و زیرپا گذاردن قوانین بین‌المللی بود که عیار سازمان‌های حقوق بشری و مدعیان آن را بار دیگر روشن ساخت.

25 اسفند ماه سال 1366، با صدور دستور مستقیم صدام، روز حلبچه شب شد. صدام که پیش از آن در طی سالهای جنگ با ایران، از جنایت جنگی و حمله شیمیایی، چه علیه نظامیان و چه فراتر از آن، علیه غیرنظامیان محله‌های مسکونی فروگذار نکرده بود، این بار سایه مرگ را بر حلبچه گستراند و با دستور مستقیم به پسرعمو و معاون خود، علی حسن المجید معروف به علی شیمیایی، دستور بمباران شیمیایی حلبچه را صادر کرد.

اولین گزارش‌های رسمی استفاده حکومت بعث عراق از سلاح‌های شیمیایی به سال 1362 بازمی‌گردد. در این سال، عراق از گاز خردل در جبهه‌های جنگ علیه ایران استفاده کرد. ایران به سازمان ملل شکایت کرد، اما از آنجا که در جنگ تحمیلی کشورهای غربی تمام قد از عراقِ مهاجم دفاع می‌کردند، تنها سکوت کردند. در سال 1363، ارتش بعثی عراق با استفاده از عامل خردل و گاز اعصاب (تابون)، سعی کرد نیروهای ایرانی را از جزیره مجنون عقب براند. این حمله باعث مرگ صدها نفر از رزمندگان ایرانی شد و هزاران نفر دیگر دچار سوختگی‌های شیمیایی و مشکلات تنفسی شدند. در جریان عملیات والفجر ۸ که منجر به تصرف بندر فاو توسط ایران شد، عراق به‌طور گسترده از گاز خردل و اعصاب استفاده کرد. بسیاری از سربازان ایرانی بر اثر این اقدام، دچار نابینایی، مشکلات ریوی، و تاول‌های شدید پوستی شدند و این تنها آسیب‌های اولیه حملات شیمیایی بود؛ آسیب‌هایی که یک عمر گریبان مصدومان، خانواده و نسل بعدی آنها را رها نکرده است.

اما در هفتم تیرماه 1366، ارتش رژیم بعث پا را فراتر گذاشت و اقدام به بمباران شیمیایی سردشت به عنوان یک شهر کاملا غیرنظامی کرد و چهار نقطه شهر را با بمب‌های حامل گاز خردل کثیف بمباران کرد. این حمله باعث مرگ حدود ۱۱۰ نفر و مصدومیت بیش از هشت هزار ایرانی بیگناه شد. اما باز هم جامعه بین الملل در مقابل این اقدام صدام سکوت کرد!

در اسفند 1366 همزمان با شروع عملیات والفجر ده توسط رزمندگان ایرانی در منطقه کردنشین حلبچه که تصرف بخش‌هایی از کردستان عراق را به همراه داشت، دولت بعث با هدف انتقام از کردهایی که در واکنش به سالها ظلم و ستم حکومت بعث، به جانب ایران گرایش پیداکرده بودند، اقدام به بمباران شیمیایی مردم خود در منطقه حلبچه کرد. صدام به زعم خود با این اقدام به ایران پیام هشداری صادر می‌کرد که هیچ حد و مرزی در اقدامات خود نمی‌شناسد. از طرفی او با این کار قصد داشت مقاومت مردمی کردهای مخالف خود را تضعیف کند. در واقع، نابودی یک شهر به این شیوه وحشتناک، نوعی جنگ روانی برای ایجاد رعب و وحشت در میان سایر مخالفان صدام بود.

این اقدام وحشیانه جزیی از عملیات ارتش بعثی موسوم به عملیات انفال بود؛ مجموعه اقداماتی که به نسل‌کشی کردهای عراق توسط رژیم صدام شهرت دارد و مجموعه‌ای از حملات نظامی و اقدامات سرکوبگرانه رژیم صدام علیه کردهای عراق بود که بین سال‌های 1365 تا 1368 انجام شد. این عملیات با هدف نابودی کردهای عراق و سرکوب آنان طراحی شده بود. در جریان این حملات، بیش از ۱۸۰ هزار کرد عراقی کشته یا ناپدید شدند و صدها روستا و شهر به‌طور کامل ویران شد.

اما واکنش جامعه جهانی در قبال فاجعه وحشتناک بمباران شیمیایی حلبچه چه بود؟ در روزهای اول پس از حمله، سازمان ملل هیچ واکنش جدی‌ای نشان نداد و پس از مدتی اهمال و تنها پس از انتشار تصاویر دلخراش از قربانیان، به ویژه از سوی ایران، شورای امنیت بدون محکوم کردن مستقیم عراق، تنها ابراز نگرانی کرد. پس از فشارهای ایران، سازمان ملل هیئتی را برای بررسی حملات شیمیایی عراق اعزام کرد. در گزارش نهایی، به استفاده از سلاح‌های شیمیایی اشاره شد، اما عراق به‌طور مستقیم مقصر شناخته نشد و به دلیل نفوذ و قدرت کشورهای غربی، هیچ تصمیمی برای اقدام تنبیهی علیه عراق اتخاذ نشد. فرانسه و آلمان نیز که از تأمین‌کنندگان اصلی مواد اولیه برای ساخت سلاح‌های شیمیایی عراق بودند، در واکنش به فاجعه حلبچه، هیچ اقدام عملی‌ای انجام ندادند. رسانه‌های غربی صرفاً به پوشش محدود و دیرهنگام و گذرا اکتفا کردند.

اما ایران که هفت سال درگیرجنگی تمام عیار با ارتش بعثی عراق بود، نقش مهمی در مستندسازی و افشای این جنایت داشت و تلاش‌های زیادی برای کمک به قربانیان و پیگیری حقوقی این جنایت انجام داد. ایران که در آن زمان حضور نظامی در نزدیکی حلبچه داشت، بلافاصله پس از حمله، تلاش‌های زیادی برای کمک به آسیب‌دیدگان انجام داد و با ارسال تیم‌های پزشکی برای امدادرسانی، انتقال مجروحان به بیمارستان‌های ایران، به‌ویژه در استان‌های کرمانشاه و همدان، ارسال کمک‌های اولیه شامل ماسک، دارو و تجهیزات پزشکی مردمان زجرکشیده حلبچه را تنها نگذاشت. مهمترین اقدام ایران، واکنش به‌هنگام رسانه‌ای و افشای این جنایت در سطح بین‌المللی بود. در حالی که کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا و بریتانیا و فرانسه وآلمان در ابتدا کاربرد سلاح شیمیایی توسط صدام در جبهه‌های جنگ را نامحتمل دانسته و آن را فقط تبلیغات از سوی ایران نمایش می‌دادند، دولت ایران خبرنگاران خارجی را به منطقه برد تا تصاویر و فیلم‌هایی از قربانیان ضبط کنند و مستندسازان ایرانی و بعضا خارجی، مستندهایی درباره این حمله و تأثیرات آن تهیه کردند تا صدای حلبچه در تاریخ دفن نشود. عکس‌های عکاسان ایرانی به دلیل آنکه در لحظه مرگ جان‌باختگان گرفته شده بود، بسیار تکان‌دهنده بود و بازتاب و تأثیر فراوانی بر افکار عمومی جهانی گذاشت. از میان این تصاویر، عکسی از دکتر احمد ناطقی از یک مرد کرد به نام عمر خاور درحالیکه کودک یک ساله‌ معصومش را در آغوش داشت و آستانه در خانه اش به کام مرگ فرورفته بود، به‌عنوان نماد فاجعه حلبچه شناخته شد و بعدها تندیسی ساخته‌شده از روی آن عکس، مقابل دادگاه لاهه نصب شد. ایران تا سالهای پس از جنگ نیز پیگیری حقوق کردهای حلبچه را رها نکرد. تحقیقات بعدی ردپای فروش مواد شیمیایی، سلاحهای شیمیایی و نحوه انتقال آنها به عراق و دیگر جزییات را روشن کرد. در دهه‌های بعدی، با سیاست‌های منطقه‌ای جدید امریکا و تغییر منافع و اقدامات راهبردی آنها در منطقه که شامل تقابل با صدام و تصرف عراق بود، رویکرد دیگری در قبال این جنایت در جهان غرب پیش گرفته شد و سرانجام زمان محکومیتها و مانورهای رسانه‌ای دلخواه فرارسید! پس از سقوط صدام، افکار عمومی جهان متوجه شد که چگونه سیاست‌های قدرت‌های بزرگ، مانع از اجرای عدالت شد.

ماندانا چگنی فراهانی

کارشناس معاونت کاربردی سازی علوم انسانی و فرهنگی